

باید به شما و فرزند ان ، همان بزودان خوبان . و قبل
 باید برگردیم ، از قبول زحمت و اینکه می بویید فاصله های
 همچنین خام هم تلفع کرد و خوشحال بود ، صبیحا ما هم بیست و گفتیم
 یک گیس این باب ، سما بودید . ایستاده یک در گذرگاه حواد
 روزگار ... باید هنج واره سنگ صبور خودمان با سیم .

ان از درون تان کند ، تا نریند ، تا روح حساس و آسب پذیر
 با ضرب ها سخت نیامیزد و تا آینه بی پیرایه تلسر ~~شکل~~ بنا
 نمیواند پیکری سنگ گونه از خویشین زیر گاه که به رسم نامایات
 بزد ... بگذریم .

نوسته بودیم اگر تصمیم بدین داشتیم ، با کسی تنوع بیشتری دارد
 که هنوز اینجا آسده ، با این همه مکنف است ما چند روزی طبق روال
 قبل ، ~~چند روزی~~ بلندن بیایم و نوسته بودم خواه نازی و چه هاشان
 بقم آنچه مستور در ستان دیگران ، از جمله ما هم ، نریند .
 البته زیاد مکنف نیستیم ، چون آگست نافردي سپاره و ضمنا تقریباً
 سال تحصیل اوست .

مجدداً ، آراس و کامیاب ، سدر برایشان آرزو میکنیم و همان
 سدر ابوهراتق با تار بلع هم میرد نیز . باید دیوار .

مستور - ناز - ۲۸ خرداد ۷۴